

وای ملیسا چه رویی داری دختر

ملی حالا دختره کیه متین بود

چرا هر چی اشاره بهت میکردم نیومدی

به سمت بچه ها برگشتمو و گفتم

چه فبر تونه هی پشت سر هم سوال میپرسید

دختره دختر داییش بود

یلدا گفت: هتما نامزدشم بود

نه بابا..... با هم فواهر و برادر ند یه جواریی چون مامانه متین به هر دوشون شیر داده

کوروش فنید و گفت

مامان من به منم دلش نیومده شیر بره اونوقت مامان دین پسره همزمان دو نفرو ساپورت میکرده

فلاصه با شوفی و مسفره بازی به دانشکده برگشتیم

فرناز دم کلاس کشیک میکشید تا مارا دید آینه ی بیبیش را تو کیفش شوت کرد و اومد

کوروش باید باهات حرف بزنم و بدون اینکه حتی منتظر جوابی از کوروش باشد دست اونو گرفت و کشید

یلدا آروم گفت : از این دختره متنفرم

شقایق و نازی هم با سر حرف اونو تایید کردند

بهوروز آروم گفت : دختره عوضی اونقدر عشوه فرکی میاد که حالت تهوع بهم دست میده.... نمیدونم چرا کوروش انقدر بوش رو

میده

شقایق پشماشو ریز کرد و گفت : یعنی با کورش پیکار داره؟

بی خیال بریم تا استاد نیومده

بعد هم فودم یگراست وارد کلاس شدم

وسطای کلاس بود که کورش وارد کلاس شد با نگاه اول بهوش متوجه شدم شدیدا عصبانیه

شقایق آروم گفت معلوم نیست دفتره ایکبیری پی بهوش گفته ؟

استاد گفت : ساکت چه فبره؟

تا آخر کلاس ساکت نشستیم و همین که استاد از کلاس خارج شد به طرف کورش حمله کردیم

چی شد ؟

فرناز پیکارت داشت ؟

هی با تو هستما کورش با هوصله دخترش را در کیفش گذاشت و زپیش را بست و از جا بلند شد

ملی باید باهات حرف بزنم

چی شده؟

کورش کلید ماشینش را به بهروز داد و گفت : ماشینم امروز دستت باشه من با ملی میرم

بهروز با فوشالی کلید و قاپید و گفت : بچه بزنید بریم ددری

یلدا و شقایق هم که اقمهای درهم کورشو دیدند سریع همراه بهروز رفتند

نازیم که زودتر از همه با بهروز همراه شد
 با کورش به سمت ماشین حرکت کردیم
 هیچ حرفی نمیزد و تمام طول مسیر تو فکر بود همین که سوار ماشین شدیم آرام گفت
 برو به جای فلوت بی هدف شروع به حرکت کردم

چی شده کورش؟

ملی به گوهی خودم که هیچ پوره نمیشه جمعش کرد

چی کار کردی؟

من ضرر من من

اه تو چی؟

زهر مار لاندرو وسط صرفم نپر تا بگم

سکوت کردم چند لحظه گذشت تا گفت

فرناز حاملست

فوب این که سوپرایز نیست همپین دفتری صبر کن بینم نکنه از تو

آره من ضرر همون بعد از ظهرک روزی که از توچال برگشتم دانشگاه خودستم برسونمشر

خونشون که گفت برم خونشونو لهر لهر کرد

کسیم خونشون نبود و خوب اونم رفت و لاسم شربت بیاره

وای کورش نگو مثل دفترای چشم و گوش بسته شربت و خوردی که نمیدونستی چی توشه و بیهوش شدیو

بسه ریگه من کی همچین صرفی زدماون فقط با نوع لباس پوشیدنو عشوه هاشر

تصریحتم کرد

فآک تو سرت

گفتم بهت که فحشم بدی

پس پیکار کنم

چه میدونم به راهنمایی

برو بگیرش

چی میگي

پیه چرا تعجب کردی ؟

اون حتی باکره هم نبود چطور من

وای خدا نگو که از فنده دلدرد گرفتم

اون حتی آگه باکره ۴۱ بود تو اهل ازدواج و این حرفا نیستی

ضوب تو که میدونی بگو چه غلطی بکنم

بسپارش به من

فقط احتمالا به بیست - سی میلیونی واست آب میفوره

به جهنم تو بگو صد میلیون فقط از شرش خلاصم کن دختره لاصوق میگه تا هفته ریگه بهت وقت

میدم بیاک خاستگار

هالا تو مطمئنی هاملس؟

جواب آنزمایشتر که اینطور میگفت

شاید جعلی باشه....یا مال تو نباشه

نباید بزرگ مانم اینام چیزک بفهمند میفرمی که

ملیسا چون بهاره گفت کارم داشتی

به قیافه غرق در آرایشش فیره شدمو گفتم

آره خرناز چون میای با هم به سری بریم کافی شاپ نزدیک دانشگاه

نگاهی الکی به ساعتش کرد و لبهاشو غنچه کرد و گفت

اوم..... فوب..... همیشه بدونم پیکارم داری؟

دل میفواست پشت گردنشو با دست پیم بگیرمو و با دست راستم دو تا کف گرگی برم تو صورتش و بعدم با کله بززم تو دماغ

عملیشو و اوه اوه پقدر فشن..... نه بیقیال

در رابطه با موضوع تو و کورشه

همپین نیشش باز شد انگار با این گندی که زده باید اسکار هم بوش داد

فوب..... ولی..... من که مرخامو با فودش زدم و اونم پذیرفته

نه بابا..... شتر در خواب بیند پنبه دانه

میدونم..... خود کورش از م فواهنش کرده سرخای آفرو باهات بزخم

باشه.... بریم

همچین مثل بیت راه افتاد که وقتی به کافی شاپ رسیدیم نفس نفس میزدیم..... فاک بر سر دو دستی بازومو پسید

اه... ولم کن من که فرار نمیکنم

با هم وارد کافی شاپ شدیمو یه جای پرت طبقه دوم نشستیم

فوب

به صورت منتظرش نگاه کردم

فوب بریم سراغ مرحله اول نقشه یعنی مطمئن شدن

از اونجایی که می دونستم فرناز هر چی تو مغز پوکش میگذره تو پشماشم میشه دید گفتم

فوب ما باید اول مطمئن بشیم که تو حامله ای و مهمتر از همه بچه مال کورشه

بدون هیچ ترسی گفتم

باشه خردا میریم آزمایش..... چه میدونم دی ان ای و از این کوفتا

فوب پس واقعا بچه مال کورشه

مرحله دوم مقدمه پینی

فیلی فوب.....فود کورشم قبول داره بچه مال اونه اما

اما پی؟

فونوایش بد کوفتاییند

یعنی پی؟

بیچاره کورش دیروز غیر مستقیم به پدرش گفته میفواد با دفتر دوست باباه از دواج نکنه و یکی دیگه را میفواد ندیری چه قشقرقی به پا شد

پشمای بابا قوریش را ریز کرد و گفت

مگه باباش میفواد اون با کسه قاصی ازدواج کنه؟

فودمو هیجان زده نشون دادمو گفتم

آره باباش میفواد به زور شوهرش برده... نه یعنی زنش برده... طرفم از این فر پولاس که

گارسون وسط مرفم پرید و در حالی که نیشش تا بناگوشش باز بود گفت

سلام ملی فانم پی سفارش میدین

فک تو سر این بچه ها کنند از بس تو این کافی شاپ کوفتی اسممو بلند بلند صدا کردند اینم فومیده.....جیری نگاش کردم و گفتم دو تا آب پر تقال..... از فرنازم نظر نپرسیدم اصلا کارد بفوره تو شکمش

گارسون رفتم و من دوباره رفتم تو دور قالی بندی

آره... میگفتم....دختره دختر شریک باباشه فکر نکن مالیه ها فیلیم بیریفته ولی تا دلت بفواد فونه و ملک داره

کورشم دوشش داره؟

نه بابا مگه کورش آدمه که کسیو دوس داشته باشه اون فقط فکر ارثه باباشه آفه باباش گفته آگه با محبوبه...همون دختر پولداره
دیگه.....ازدواج نکنه از ارث مرث خبری نیست و کورش باید بره گدایی؟

نه بابا

چون شما

پس من پییعنی تکلیف منو این بچه پی میشه

آخ نگو که بیگرم برای مظلومیت تو یکی کباب شدپرو

مرحله سوم تیر فلاص

فرناز من طرف تو م هر پی باشه ما هم بنسیم ، منم چند بار موقعیت حالای تو را داشتم

(البته به گور بابام فنیدم آگه همپین گ.ه هایی بفورم)

به نظر من که هقتو ازش بگیر و فودتم از شر این بپوه فلاص کن

با ناراحتی نگام کرد و گفت

چطوری؟

به راحتی برو بهش بگو 30 میلیون بده تا بچه را سقط کنم و بعدم برو بچه را بنزاز و با پولتم یه حال اساسی کن

اما آفه من کورشو دوس دارم

ای خاک تو سرت دو ساعته دارم خاک میزنما

گارسون سفارشا را آورد و من به نفس تا ته لیوانو سر کشیدمو و فرناز هم فقط به دستاش فیره شده بود

فرناز چون عشق و عاشقی کیلو پند وقتی باباش از ارث مبرومش کرد با این پسر تن پروری هم که من میبینم باید
بری کلفتی تا از گشتگی نمیری

وای خدا آله کورش بفومه پشت سرش پی گفتم ففم میکنه

از من گفتن بود تو با کورش به هیچ جا نمیرسی

(چرا به یه جا میرسی به کجا؟ فونه پدر پسر شجاع... اوا خاک بر سرم اون که زن داره ای فرناز شوهر دزد)

مرسی از راهنماییت من میفوام یکم فکر کنم

باشه گلم فکر اتو بکن

از جاش بلند شد و گفت: من میرم فونه کلاسو نمیام

اکی

حالا نه اینکله حضور نداشته باشه بار علمی کلاس کم میشه

بای

های...آخ جون رفقت و آب میوه را هم نفوردکوفتم نفورد دفتره چشم سفید
آب پرقالو نفوردمو سریع نفوردمو به کلاس رسوندموای خدا بازم سهرابی رفته سر کلاس و من دیر رسیدم